مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت(ع):

اگر می‌خواهیم حافظ زبان خود باشیم باید ادبیات آن را حفظ و ترویج کنیم

دکتر مسلم نادعلی‌زاده، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت(ع) در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: زمانی که کوشوران یک زبان به‌صورت عمدی و یا اصرار، واژه‌های بیگانه را به کار می‌برند در حالی که زبان خودشان ظرفیت لازم را دارد یا زمانی که از زبان‌های دیگر گرته‌برداری می‌کنند و برخی ساخت‌های زبانی و نحوی آنها را تقلید می‌کنند، این امر به زبان آسیب می‌زند. در چنین موارد‌ی، استادان زبان و ادبیات فارسی باید نقش آفرین باشند و شیوه درست گفتار و نوشتار فارسی را به مردم بیاموزند و تلاش کنند تا تعهد به این شیوه، در جامعه نهادینه شود. متن اینس گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

شما سال‌ها با زبان و کلام فارسی سروکار داشته‌اید. ایران ما با برجمداری زبان فارسی از تعه اندازه به درستی به زبان مادری خود وفادار مانده است؟

کشور ایران یکی از قدیم‌ترین کشورهای دنیاست. بنابراین، قدمت زبان نیز در ایران نیز قابل توجه است. همان‌طور که تحولات تاریخی موجب تغییراتی در اقلیم‌ها و جغرافیای زمین شده، تغییراتی نیز در زبان‌های بشری پدید آمده است. به‌طور خاص، زبان فارسی باستان یکی از قدیم‌ترین زبان‌هایی است که در این سرزمین شناسایی شده و امروزه می‌توان آن را در کتیبه‌ها مطالعه و بازخوانی کرد. پس از فارسی باستان، زبان فارسی میانه در شاخه‌های مختلف خود به‌عنوان زبان رسمی ایرانیان شناخته می‌شود. از حدود هزار و ۲۰۰ سال پیش، زبان فارسی دری، زبان مشترک اقوامی است که در جغرافیای ایران، افغانستان و تاجیکستان امروز زندگی می‌کنند. بر این اساس، زبان فارسی دری قدیم‌ترین زبان رسمی زنده دنیاست، یعنی هیچ زبان زنده دیگری در دنیا وجود ندارد که مردم یک منطقه از هزار و ۲۰۰ سال پیش تا کنون با آن سخن گفته باشند و گویشوران امروزی آن زبان، بتوانند متون مربوط به هزار یا هزار و ۲۰۰ سال پیش را بخوانند و درک کنند. این موضوع نشان می‌دهد ایرانیان تا چه اندازه به زبان مادری خود وفادار مانده‌اند و آن را در طول سده‌های متمادی حفظ کرده‌اند. البته در ایران از دیرباز، زبان‌های مختلفی که بسیاری از آنها با زبان فارسی هم‌ریشه و هم‌خانواده‌اند، در مناطق گوناگون کشور رواج داشته‌اند. اما آنچه ایرانیان را در طول زمان به یکدیگر پیوند داده است و همین‌طور سبب پیوند میان مردم ایران، افغانستان، تاجیکستان و بسیاری از مردم کشورهایی چون ازبکستان، ترکمنستان، پاکستان، هند، کشورهای حاشیه خلیج فارس، عراق، ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌شود، پیشینه مشترک زبان فارسی در این مناطق است. به‌نحوی که تا حدود ۱۵۰ سال پیش، بخشی از این مناطق، زبان رسمی‌شان فارسی بوده است. البته برخی کشورها در دوره‌هایی به فارسی سخن می‌گفته‌اند و در سده‌های گذشته زبان رسمی‌شان فارسی است. اما زبان مشترکی که همه مردم این مناطق در برهه‌هایی از تاریخ با آن سخن می‌گفته‌اند، زبان فارسی بوده و دامنه زبانی نفوذ این زبان تا شرق اروپا و مغرب چین نیز گسترش داشته است. در سده‌های پیشین، سرزمین‌های وسیعی از ماوراءالنهر تا یمن و از شرق اروپا تا غرب چین، تحت نفوذ زبان فارسی قرار داشته‌اند.

مهم‌ترین آسیبی که امروز زبان فارسی در سطح عمومی با آن روبه‌روست چیست؟

بخشی از آسیب‌هایی که امروزه زبان فارسی با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند، مربوط به طبیعت زبان است که در گذر زمان موجب تغییرات و تحولاتی می‌شود. همه زبان‌ها به نحوی با این تغییرات و تحولات درگیر هستند. برخی واژه‌ها از زبان‌ها حذف و برخی واژه‌ها به زبان افزوده می‌شوند، برخی معانی خود را تغییر می‌دهند، برخی دیگر معنای ضد خود را پیدا می‌کنند و بعضی نیز ضمن حفظ معنای پیشین، معانی جدیدی می‌یابند. آنچه در چارچوب تحولات طبیعی زبان قرار می‌گیرد، جای نگرانی ندارد اما آنچه نگران‌کننده است، تحولاتی است که به زبان تحمیل می‌شود، یعنی به‌صورت طبیعی رخ نمی‌دهند. زمانی که گویشوران یک زبان به‌صورت عمدی و با اصرار، واژه‌های بیگانه را به کار می‌برند در حالی که زبان خودشان ظرفیت لازم را دارد یا زمانی که از زبان‌های دیگر گرته‌برداری می‌کنند و برخی ساخت‌های زبانی و نحوی آنها را تقلید می‌کنند، این امر به زبان آسیب می‌زند. در چنین موارد‌ی، استادان زبان و ادبیات فارسی باید نقش آفرین باشند و شیوه درست گفتار و نوشتار فارسی را به مردم بیاموزند و تلاش کنند تا تعهد به این شیوه، در جامعه نهادینه شود.

نظام آموزشی ما توجه لازم را به ادبیات نداشته است. اگر می‌خواهیم کودکان و فرزندان‌مان در آینده زبان فارسی را به‌خوبی بشناسند، متون کذشتگان را بدرستی بخوانند و به‌خوبی بنویسند، باید از همان ابتدا برای آموزش ادبیات وقت بگذاریم. باید توجه ویژه‌ای به آموزش ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌های خود داشته باشیم. اگر دانش‌آموزان و دانشجویان با متون فاخر ادبی آشنا و مانوس شوند، آنگاه زبان فارسی نیز حفظ خواهد شد

چه نقشی برای خانواده‌ها و والدین در ترویج زبان درست و زیبا قائلید؟ آیا آموزش رسمی کافی است؟

قطعاً آموزش رسمی به‌تنهایی برای حفظ زبان کافی نیست و احاد جامعه باید نسبت به پاسداری از زبان خود احساس تکلیف کنند. خانواده‌ها، مدارس، نشکل‌های اجتماعی، دانشگاه‌ها و همه کسانی که به‌نحوی در فرایند آموزش و تربیت نسل‌ها نقش دارند، باید در این مسیر فعالانه مشارکت کنند. در واقع، همه افراد جامعه باید بکوشند تا زبان را حفظ کنند و به ارزش صورت متعالی آن، یعنی ادبیات واقف باشند. در هر زبان، زمانی که واژه‌ها به بلوغ می‌رسند، ادبیات شکل می‌گیرد. یعنی ادبیات، صورت بالغ و کمال‌یافته زبان است. بنابراین، اگر بخواهیم حافظ زبان خود باشیم، باید مروج ادبیات آن باشیم؛ باید ادبیات خود را به‌درستی بشناسیم و از آن پاسداری کنیم تا بتوانیم زبان‌مان را به شیوه‌ای درست حفظ و صیانت نماییم.

دلیل ضعف بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان ما در خواندن و نگارش زبان و ادبیات فارسی چیست؟

خواندن و نگارش درست زبان به تمرین نیاز دارد و اگر دانش‌آموزان و دانشجویان در این زمینه ضعف‌هایی دارند، به‌خاطر این است که کمتر با متون زبان فارسی ارتباط برقرار و از این متون استفاده کرده‌اند. ما باید شیوه آموزش خود را در این زمینه، به‌ویژه در نگارش متحول کنیم. در گذشته، زمانی که کودکان به مکتب‌خانه می‌رفتند، از همان ابتدا با ادبیات آشنا می‌شدند. یعنی همان صورت تعالی‌یافته زبان. این آشنایی با ادبیات موجب می‌شد هم در زمینه خواندن و هم در زمینه نگارش، توانایی‌های فوق‌العاده‌ای کسب کنند اما در دهه‌های اخیر، پیوسته ارتباط نسل‌های جدید با ادبیات کمرنگ‌تر شده است. چرا که نظام آموزشی ما آن توجه لازم را به ادبیات نداشته است. اگر می‌خواهیم کودکان و فرزندان‌مان در آینده زبان فارسی را به‌خوبی بشناسند، متون گذشتگان را به‌درستی بخوانند و به‌خوبی بنویسند، باید از همان ابتدا برای آموزش ادبیات وقت بگذاریم. باید توجه ویژه‌ای به آموزش ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌های خود داشته باشیم. اگر دانش‌آموزان و دانشجویان با متون فاخر ادبی آشنا و مانوس شوند، آنگاه زبان فارسی نیز حفظ خواهد شد اما اگر ما از گرما در توجه فرهنگ ایرانی، دوستی یعنی

مهم‌ترین آسیبی که امروز زبان فارسی در سطح عمومی با آن روبه‌روست چیست؟

بخشی از آسیب‌هایی که امروزه زبان فارسی با آنها دست‌وپنجه نرم می‌کند، مربوط به طبیعت زبان است که در گذر زمان موجب تغییرات و تحولاتی می‌شود. همه زبان‌ها به نحوی با این تغییرات و تحولات درگیر هستند. برخی واژه‌ها از زبان‌ها حذف و برخی واژه‌ها به زبان افزوده می‌شوند، برخی معانی خود را تغییر می‌دهند، برخی دیگر معنای ضد خود را پیدا می‌کنند و بعضی نیز ضمن حفظ معنای پیشین، معانی جدیدی می‌یابند. آنچه در چارچوب تحولات طبیعی زبان قرار می‌گیرد، جای نگرانی ندارد اما آنچه نگران‌کننده است، تحولاتی است که به زبان تحمیل می‌شود، یعنی به‌صورت طبیعی رخ نمی‌دهند. زمانی که گویشوران یک زبان به‌صورت عمدی و با اصرار، واژه‌های بیگانه را به کار می‌برند در حالی که زبان خودشان ظرفیت لازم را دارد یا زمانی که از زبان‌های دیگر گرته‌برداری می‌کنند و برخی ساخت‌های زبانی و نحوی آنها را تقلید می‌کنند، این امر به زبان آسیب می‌زند. در چنین موارد‌ی، استادان زبان و ادبیات فارسی باید نقش آفرین باشند و شیوه درست گفتار و نوشتار فارسی را به مردم بیاموزند و تلاش کنند تا تعهد به این شیوه، در جامعه نهادینه شود.

چه نقشی برای خانواده‌ها و والدین در ترویج زبان درست و زیبا قائلید؟ آیا آموزش رسمی کافی است؟

قطعاً آموزش رسمی به‌تنهایی برای حفظ زبان کافی نیست و احاد جامعه باید نسبت به پاسداری از زبان خود احساس تکلیف کنند. خانواده‌ها، مدارس، نشکل‌های اجتماعی، دانشگاه‌ها و همه کسانی که به‌نحوی در فرایند آموزش و تربیت نسل‌ها نقش دارند، باید در این مسیر فعالانه مشارکت کنند. در واقع، همه افراد جامعه باید بکوشند تا زبان را حفظ کنند و به ارزش صورت متعالی آن، یعنی ادبیات واقف باشند. در هر زبان، زمانی که واژه‌ها به بلوغ می‌رسند، ادبیات شکل می‌گیرد. یعنی ادبیات، صورت بالغ و کمال‌یافته زبان است. بنابراین، اگر بخواهیم حافظ زبان خود باشیم، باید مروج ادبیات آن باشیم؛ باید ادبیات خود را به‌درستی بشناسیم و از آن پاسداری کنیم تا بتوانیم زبان‌مان را به شیوه‌ای درست حفظ و صیانت نماییم.

دلیل ضعف بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان ما در خواندن و نگارش زبان و ادبیات فارسی چیست؟

خواندن و نگارش درست زبان به تمرین نیاز دارد و اگر دانش‌آموزان و دانشجویان در این زمینه ضعف‌هایی دارند، به‌خاطر این است که کمتر با متون زبان فارسی ارتباط برقرار و از این متون استفاده کرده‌اند. ما باید شیوه آموزش خود را در این زمینه، به‌ویژه در نگارش متحول کنیم. در گذشته، زمانی که کودکان به مکتب‌خانه می‌رفتند، از همان ابتدا با ادبیات آشنا می‌شدند. یعنی همان صورت تعالی‌یافته زبان. این آشنایی با ادبیات موجب می‌شد هم در زمینه خواندن و هم در زمینه نگارش، توانایی‌های فوق‌العاده‌ای کسب کنند اما در دهه‌های اخیر، پیوسته ارتباط نسل‌های جدید با ادبیات کمرنگ‌تر شده است. چرا که نظام آموزشی ما آن توجه لازم را به ادبیات نداشته است. اگر می‌خواهیم کودکان و فرزندان‌مان در آینده زبان فارسی را به‌خوبی بشناسند، متون گذشتگان را به‌درستی بخوانند و به‌خوبی بنویسند، باید از همان ابتدا برای آموزش ادبیات وقت بگذاریم. باید توجه ویژه‌ای به آموزش ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌های خود داشته باشیم. اگر دانش‌آموزان و دانشجویان با متون فاخر ادبی آشنا و مانوس شوند، آنگاه زبان فارسی نیز حفظ خواهد شد اما اگر میان دانش‌آموزان، دانشجویان و نسل‌های مختلف ما با ادبیات جدایی بیفتد، زبان هم خواناخواه رو به زوال خواهد رفت.

به عنوان کسی که صدای او با زبان فارسی گره خورده، اگر بخواهید برای نسل آینده قطعه یک توصیه زبانی داشته باشید، آن توصیه چیست؟

استاد سخن، سعدی می‌گوید: «زبان در دهان‌ای خردمند چیست؟/ کلید در گنج صاحب‌هنر؛ چو در بسته باشد، چه داند کسی/ که گوهرفروش است یا پیله‌ور؟» و همچنین باز هم از زبان سعدی می‌گویم: «خوبچیز طیره عقل است: دم فروبستن/ به وقت گفتن و به وقت گفتن و وقت خاموشی/ علاوه بر این، از نظامی بزرگ این سخن را تقدیم می‌کنم: «کم گوی و گزیده گوی چون در/ تا ارزنده تر که جهان شود پر»

برای شما، زیباترین واژه فارسی که حامل معنا، موسیقی و فرهنگ باشد، چیست؟

انتخاب سختی است و واژه‌های فراوانی به خاطر می‌آید، ولی من واژه «مهر» را انتخاب می‌کنم. در این واژه، هم معنای عمیق وجود دارد و هم موسیقی و هم فرهنگ.

زیباترین واژه فارسی برای هر کس معنایی شخصی دارد اما همه این واژه‌ها در فرهنگ پارسی به هم می‌رسد. عشق، واژه‌ای است که موسیقی دارد، در فرهنگ پارسی ریشه‌ای عمیق دارد و معنایی جهانی را حمل می‌کند. عشق به مادر، به وطن، به زندگی، به همنوع... این واژه، نغمه‌ای است که قلب پارسی را آن می‌تپد

آیا بی‌خیال زبان فارسی شده‌ایم؟!

روز به روز پایبندی‌مان به شعار «پارسی را پاس بداریم» کمتر می‌شود

حسین گل‌محمدی

به نظر می‌رسد خیلی‌های‌مان بی‌خیال زبان فارسی شده‌ایم. البته خودمان چنین چیزی را قبول نداریم و در ظاهر به زبان و ادبیات فارسی افتخار می‌کنیم، اما در عمل یک شعر از فردوسی یا یک متن ناب و کهن پارسی را نمی‌توانیم بدون اشتباه و روان بخوانیم. در گفت‌وگوهای روزه هم که واژه‌های بیگانه را مثل نقل و نبات استفاده می‌کنیم و مرسی را به جای ممنون، اوکی را به جای باشه و... بارها و بارها به کار می‌بریم. چند سالی هم می‌شود که زبان فارسی در گفت‌وگوهای فضای مجازی تبدیل به گوشت قربانی شده است و بسیاری از واژگان زیبا و اصیل زبان مادری نصفه و نیمه، رد و بدل می‌شود. روز به روز واژه‌های انگلیسی بیشتری وارد گفت‌وگوهای‌مان می‌شود و خب، همراه با خود، خواه و ناخواه عناصر فرهنگ بیگانه را نیز وارد فرهنگ ما می‌کند و نتیجه آن نیز آسیب به هویت اصیل بومی است. حالا بسیاری از والدین بیش از آنکه دغدغه زبان و ادبیات فارسی فرزندان خود را داشته باشند، اصرار بر آموزش کامل زبان انگلیسی برای آنان دارند و اوضاع تا جایی وخیم است که به خردسالان و نونهالان بیش از آنکه زبان فاخر فارسی را بیاموزند کلمات انگلیسی را آموزش می‌دهند و جلوی فک و فامیل و دوست و آشنا هم بزی می‌دهند که بچه سه ساله ما انگلیسی حرف می‌زند! یی نرد بد چنین روندی فقط به استحاله زبان فارسی منجر نمی‌شود، بلکه به مرور شاهد رسوخ آیین‌ها و مراسم غربی به سبک زندگی‌مان خواهیم شد و شیوع مواردی هم‌چون لنتیزم در فرهنگ ما مثال بارز این رسوخ و نفوذ است. شوربختانه باید گفت زبان فارسی روز به روز بی‌دفاع‌تر می‌شود و حتی بسیاری از رسانه‌ها، افراد تحصیلکرده و فرهیخته، مدارس و دانشگاه‌ها نیز به صف مهاجمان به زبان فارسی پیوسته‌اند و در چنین شرایطی هر چند زبان فارسی در کتاب‌ها و متون کهن دست‌نخورده باقی خواهند ماند، اما در گفت‌وگوها و نوشته‌های ما مورد بی‌مهری قرار خواهد گرفت. ۲۵ اردیبهشت ماه روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، انگیزه خوبی است تا به خود بیاییم و ببینیم تا چه حد به شعار «فارسی را پاس بداریم» پایبند بوده‌ایم؟

دکتر عیسی کاکوئی، رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه تبیین آفاق پویا:

قصه‌ها و لالایی‌های مادرانه اولین سنگر زبان فارسی است

دکتر عیسی کاکوئی، رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه تبیین آفاق پویا، نویسنده‌ای پرتلاش با سابقه نگارش هزاران کنایک، کتاب و آثار آموزشی است. او زبان فارسی را نه صرفاً ابزاری برای سخن گفتن، بلکه جان فرهنگ و شناسنامه هویت ملی می‌داند. در روزهایی که بسیاری نگران فرسایش تدریجی زبان فارسی هستند او نگاهی امیدوارانه دارد و بر این باور است که به‌جای ترس از تغییر، باید با رویکردی هوشمندانه و جذاب این زبان را در دل کودکان و نسل جدید زنده نگه داشت. او هم نه از مسیر دستور و اجبار، بلکه در بستر زندگی روزمره و بازیان لالایی، قصه و شعرهای مادری. به بهانه ۲۵ اردیبهشت، روز پاسداشت زبان فارسی پای صحبت‌های او ننشستیم.

زبان فارسی را تا چه اندازه با هویت ملی‌مان گره خورده می‌بینید؟

یکی از ویژگی‌های کشورمان این است که نه تازه تأسیس و نه از سوی مهاجران، اوارگان، سلطه‌گران، تجاوزگران یا اشغال‌شدگان تأسیس شده است، بلکه کشوری پرقدمت با سنوات طولانی و تاریخی است. شاید گسترش آن را هم حتی به قبل برگردانیم، ولی این جایی که اکنون به عنوان ایران شناخته می‌شود، یک گستره وسیع با قدمت طولانی است. زبان نیز بیشتر اهالت این سرزمین را با خود دارد و هم مطالب نهادینه شده‌ای را که در وجودش جای گرفته است. این مطالب، جدید هم نیست و اگر هم تأثیراتی از برخی زبان‌ها پذیرفته باشد، اما نشانه تاریخی و پر اصالتش در محاورات اجداد و نیاکان ما حضور دارد.

به نظر شما ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زبان فارسی برای خلق آثار ادبی چگونه است؟

ظرفیت‌های زبان فارسی و توانمندی‌های آن، به‌ویژه برای خلق آثار ادبی، دامنه‌ای گسترده دارد. از آنجا که کلام‌ها کلمات، واژگان، جملات، متن‌ها، قصه‌ها، تاریخ و نوشته‌هاست و تقریباً در برخی از کشورهای دنیا نیز این موضوع را پیگیری کرده‌ام، می‌بینم شیوایی زبان فارسی، گیرایی آن، تنوع کلماتش و استفاده از حالت‌های متفاوت یک انسان در زمان، مکان و شرایط گوناگون این قدرت و این ویژگی منحصر بالحصاری را به این زبان می‌بخشد که زبان فارسی را می‌باشد. این زبان، زبانی است شیرین، لطیف و گویش آن روان و ساده است و قابلیت بهره‌گیری به عنوان ابزار ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر را دارا است. به زبان فارسی نعصب دارم، اما این کلمات از روی تعصب صرف بیان نمی‌شود. وقتی شما با زبان‌های دیگر، آن هم زبان‌های معروف دنیا مواجه می‌شوید، میزان غلط‌های بیانی، میزان سخنی‌ها، میزان دشواری در یادگیری، میزان مشکل داشتن در فراگیری و نیز میزان روان نبودن در بیان را که می‌سنجید، زبان فارسی یک لذت، حلاوت و یک شیرینی خاص دارد.

برخی معتقدند امسروز زبان فارسی با تهدیداتی جدی روبه‌روست، نظر شما در این باره چیست؟

حدود هزار و ۸۲ عنوان کتاب، کنایک و کتاب همراه تا به امروز به چاپ رسانده‌ام و همچنان در این حوزه مشغول فعالیت هستم. امروز دیگر زبان‌ها مانند گذشته نیستند، چراکه به واسطه گسترش ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و فضای مجازی، به سرعت در حال تغییر و تحول هستند. در گذشته، برای یافتن مطلبی ناچار بودید یا به مسافرت بروید یا به کتابخانه‌ای مراجعه کنید، اما امروز، به بالای اطلاعات و واژگان، زبان‌ها تقریباً به صورت بین‌المللی در حال جریان هستند و دیگر نمی‌توان به طور خالص از آنها استفاده کرد. خب در کشور ما نیز تلاش‌های بسیاری برای معادل‌سازی واژگان و حفظ ریشه‌های بومی زبان فارسی صورت گرفته است. تغییرات زبانی تنها به تأثیر زبان‌های فارسی و عربی محدود نمی‌شود. زبان‌های چین چونی نیز به دلیل ارتباطات بین‌المللی تأثیر خود را گذاشته‌اند. این فرآیند به ویژه با زبان‌های روسی، فرانسوی، انگلیسی و حتی زبان‌های مختلف دره‌های اخیر، ورود واژه‌های نوین به‌ویژه از انگلیسی بسیار شدت گرفته و در برخی حوزه‌ها مثل فناوری‌ها یا تجارت، جایگزین‌های فارسی کمتر جا افتاده‌اند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی بارها تلاش کرده جایگزین‌های فارسی برای واژه‌های بیگانه بسازد مانند «رایانه» به جای «کامپیوتر»، اما موفقیت این واژه‌ها در جوع جمع نشده بود. است. در محاوره روزمره نیز بسیاری از مردم به راحتی واژه‌های بیگانه را کار می‌برند و گاهی واژه‌های فارسی رسمی را ناآشنا یا نامأنوس می‌یابند. در مجموع می‌توان گفت حساسیت فرهنگی نسبت به حفظ زبان وجود دارد، اما پایبندی

برای شما، زیباترین واژه فارسی که حامل معنا، موسیقی و فرهنگ باشد، چیست؟

به نظر من، شاید زیباترین واژه‌ای که در شاهنامه به کار رفته و کاملاً پخته در زبان فارسی دارد، واژه «خانش» باشد. این کلمه، قطعاً یک کلمه پارسی است و نیاز به معادل‌یابی ندارد. چون معنای آن برای همگان آشکار است. فردوسی هم در چند بیت به‌طور مشخص از این واژه استفاده کرده است. به‌عنوان مثال، علاوه بر بیت معروف «توانا بود هر که دانا بود/ از دانش دل پیر برنا بود»، که من خیلی به آن علاقه دارم، در بیت دیگری هم می‌گوید: «هر دانشی چون سخن بشنوی/ از آموختن یک زمان نغنوی»

مجید رحمتی، شاعر و استاد ادبیات:

خدشه به زبان فارسی ما را از ریشه‌های من جدا می‌کند

از آنجا که بسیاری از ارزش‌ها، آداب و رسوم و حکمت‌های قومی از طریق زبان منتقل می‌شوند اگر زبان فارسی در گفت‌وگوها و نوشته‌های ما آسیب ببیند، از نظر فرهنگی و هویتی چند آسیب از جمله کاهش احساس تعلق به هویت ایرانی بروز پیدا می‌کند. اگر زبان ضعیف شود، انتقال نسل به نسل نیز مختل می‌شود، چراکه زبان فارسی بستری برای تولید شعر، داستان، ضرب‌المثل‌ها و آثار هنری بوده و است. بنابراین آسیب به آن می‌تواند باعث افت کیفیت ادبی و هنری شود. اگاه باشیم اگر زبان خود را کنار بگذاریم یا ضعیف کنیم، ناخواسته بیشتر به فرهنگ و زبان‌های بیگانه وابسته می‌شویم و این ممکن است ما را از ریشه‌های خود دور کند.

در آخر اگر بخواهید با یک بیت شعر یا یک مصرع مردم را به دوست داشتن و حفظ زبان فارسی دعوت کنید چه می‌گویید؟

«زبان هم / گوهر بود بی‌گمان / نگه دار این گنج، ای مهربان»

در دوره‌ای که به یادگیری زبان دوم بدون تسلط کامل بر زبان اول مشکلی ایجاد نمی‌کند. همچنین گاهی تبلیغاتی و آموزشی (مثل کلاس‌های خصوصی و مؤسسات زبان) بیشتر بر زبان‌های خارجی تأکید دارد تا تقویت مهارت‌های زبانی فارسی.

فرهنگستان زبان فارسی چطور؟ آیا وظیفه خود را در واژه‌سازی درست انجام می‌دهد و واژه‌های مناسبی را جایگزین اصطلاحات بیگانه رایج در گفت‌وگوها و مکاتب ما می‌کند؟

فرهنگستان زبان و ادب فارسی از آغاز تأسیس تلاش کرده است واژه‌های بیگانه به ویژه انگلیسی، فرانسوی و عربی را با معادل‌های فارسی جایگزین کند. نمونه‌های مثال «رایانه» به جای «کامپیوتر»، «تلفن همراه» به جای «موبایل» اما انتقادهایی هم وجود دارد. برخی از واژه‌های

اگر فردوسی امروز زنده بود، فکر می‌کنید زبان فارسی امروز را چگونه می‌دید؟ و ما را و چه می‌آموختیم؟

برداشت شخصی من این است که اگر فردوسی زنده بود، قطعاً بسیار خوشحال می‌شد که می‌دید اشعاری که در هزار سال پیش سروده، هم‌اکنون از سوی ایرانیان خوانده می‌شود. فهمیده می‌شود و در همه جا صحبت از او، اشعار او و شاهنامه است. ایرانیان به وجود او افتخار می‌کنند. با هر نوع بینش و نگرشی که دارند. قطعاً فردوسی افتخار می‌کرد بسیاری از افراد در طول این قرون گذشته سعی کرده‌اند از شاهنامه آرایه‌ها و تقلید کنند و منظومه‌های حماسی بسرایند.

برای شما، زیباترین واژه فارسی که حامل معنا، موسیقی و فرهنگ باشد، چیست؟

به نظر من، شاید زیباترین واژه‌ای که در شاهنامه به کار رفته و کاملاً پخته در زبان فارسی دارد، واژه «خانش» باشد. این کلمه، قطعاً یک کلمه پارسی است و نیاز به معادل‌یابی ندارد. چون معنای آن برای همگان آشکار است. فردوسی هم در چند بیت به‌طور مشخص از این واژه استفاده کرده است. به‌عنوان مثال، علاوه بر بیت معروف «توانا بود هر که دانا بود/ از دانش دل پیر برنا بود»، که من خیلی به آن علاقه دارم، در بیت دیگری هم می‌گوید: «هر دانشی چون سخن بشنوی/ از آموختن یک زمان نغنوی»

از آنجا که بسیاری از ارزش‌ها، آداب و رسوم و حکمت‌های قومی از طریق زبان منتقل می‌شوند اگر زبان فارسی در گفت‌وگوها و نوشته‌های ما آسیب ببیند، از نظر فرهنگی و هویتی چند آسیب از جمله کاهش احساس تعلق به هویت ایرانی بروز پیدا می‌کند. اگر زبان ضعیف شود، انتقال نسل به نسل نیز مختل می‌شود، چراکه زبان فارسی بستری برای تولید شعر، داستان، ضرب‌المثل‌ها و آثار هنری بوده و است. بنابراین آسیب به آن می‌تواند باعث افت کیفیت ادبی و هنری شود. اگاه باشیم اگر زبان خود را کنار بگذاریم یا ضعیف کنیم، ناخواسته بیشتر به فرهنگ و زبان‌های بیگانه وابسته می‌شویم و این ممکن است ما را از ریشه‌های خود دور کند.

در آخر اگر بخواهید با یک بیت شعر یا یک مصرع مردم را به دوست داشتن و حفظ زبان فارسی دعوت کنید چه می‌گویید؟

«زبان هم / گوهر بود بی‌گمان / نگه دار این گنج، ای مهربان»

دکتر غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی:

شاهکارهای ادبیات پارسی با واژه‌های زیبای عربی در آمیخته‌اند

غلامرضا امیرخانی، استاد باز تاریخ ایران اسلامی و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در گفت‌وگو با «جوان» به تأثیر زبان فارسی بر هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان اشاره کرده و می‌گوید: خوشبختانه زبان فارسی در کشور ما روز به روز زنده‌تر و بالنده‌تر می‌شود. به‌رغم تهدیدهایی که وجود دارد، زبان فارسی بر خلاف بسیاری از زبان‌ها که در معرض نابودی قرار دارند، نشان داده می‌تواند با ابزارهای جدید، با رایانه و فضای مجازی سازگار شود و از این آزمون هم سربلند بیرون بیاید. متن کامل گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

آقای دکتر امیرخانی، شما به‌عنوان رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، زبان فارسی را چگونه عنصری در هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان می‌دانید؟

اقوام مختلف ایرانی مانند دانه‌های تسبیح در کنار هم هستند و آنچه این دانه‌ها بوده، زبان فارسی است. زبانی که ریشه‌های بالغ بر ۲هزار سال دارد. فارسی‌ای که امروز در اختیار ماست، آمیخته با زبان واژگان زیبای عربی است و همین آمیخته شدن موجب شده تا شاهکارهای بزرگی در زبان فارسی پدید آید. مثل گلستان و بوستان، مثنوی معاوی و خمسه نظامی. همه اینها در واقع نشان‌دهنده پویندگی و بالندگی زبان فارسی‌اند. یعنی فارسی پهلوی و در ادامه سیر تطور فارسی دری، زبان فارسی را چگونه پدید آورده است مسیری برای کمار سیدن زبان فارسی پدید آورده است

برای شما، زیباترین واژه فارسی که حامل معنا، موسیقی و فرهنگ باشد، چیست؟

برای حفظ زبان‌های ملی خود، می‌کوشند. خوشبختانه زبان فارسی در کشور ما روز به روز زنده‌تر و بالنده‌تر می‌شود. به‌رغم تهدیدهایی که وجود دارد، زبان فارسی بر خلاف بسیاری از زبان‌ها که در معرض نابودی قرار دارند، نشان داده می‌تواند با ابزارهای جدید، با رایانه و فضای مجازی سازگار شود و از این آزمون هم سربلند بیرون بیاید. اتفاقاً فضای مجازی و صفحه دیجیتال می‌تواند به معرفی بهتر زبان فارسی، شاهکارهای آن و متون نظم و نثر فارسی به جهانیان کمک کند.

فکری آنها از گذشته تا حال را در خود جای داده‌اند. این آثار، چه به زبان فارسی، چه به زبان عربی و چه به سایر زبان‌ها، بخشی از میراث فرهنگی ما هستند. طبیعی است که این نسخه‌های خطی با اثار و اسناد، گنجینه‌ای از زبان فارسی محسوب می‌شوند که در آنها بسیاری از مباحث و سیر تطور زبان فارسی و واژگان قابل دریافتی و بررسی است به همین دلیل، کتابخانه ملی به‌عنوان نگهبان میراث مکتوب کشور، وظیفه حفظ این آثار را برای ایندگان و همچنین اشاعه و ارائه آنها به نسل جوان، محققان، پژوهشگران و دانشجویان به عهده دارد.

چالش‌ها و فرصت‌های زبان‌های مادری در فضای دیجیتال امروز چیست و کتابخانه ملی چه نقشی در این زمینه می‌تواند ایفا کند؟

توجه تمامی ارگان‌های دولتی، سازمان‌ها، کتابخانه‌ها، نهادهای پژوهشی، دانشگاه‌ها و همچنین عموم‌سویه‌ها به حفظ و صیانت از زبان فارسی، چاره و راهکاری برای مقابله با این چالش خواهد بود. نه تنها زبان فارسی، بلکه زبان‌هایی که مربوط به دوره صفوی است و می‌بینیم در همه دوره‌ها، هنرمندان، نگارگران، کتاب‌آرایان و مذهبان اهتمام خاصی به شاهنامه داشته‌اند. به همین دلیل است که ما نسخه‌های نفیسی از شاهنامه در اختیار داریم. این روند تا امروز هم ادامه داشته است. یعنی وقتی به دوره قاجار می‌رسیم و می‌بینیم چاپ سنگی رایج می‌شود، یکی از آثاری که بسیار مورد توجه قرار گرفته، شاهنامه است.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی چه مسئولیتی در حفظ و ترویج زبان فارسی برای نسل‌های آینده دارد؟

کتابخانه ملی گنجینه‌ای از رشمند از نگاشته‌های ایرانیان و آفریده‌های این روند فرایند توجه دیدن زبان‌ها، به‌ویژه زبان‌های محلی و قومی، نگرانی‌های فکری آنها از گذشته تا حال را در خود جای داده‌است. این آثار، چه به زبان فارسی، چه به زبان عربی و چه به سایر زبان‌ها، بخشی از میراث فرهنگی ما هستند. طبیعی است که این نسخه‌های خطی با اثار و اسناد، گنجینه‌ای از زبان فارسی محسوب می‌شوند که در آنها بسیاری از مباحث و سیر تطور زبان فارسی و واژگان قابل دریافتی و بررسی است به همین دلیل، کتابخانه ملی به‌عنوان نگهبان میراث مکتوب کشور، وظیفه حفظ این آثار را برای ایندگان و همچنین اشاعه و ارائه آنها به نسل جوان، محققان، پژوهشگران و دانشجویان به عهده دارد.

فردوسی و زبان فارسی به دست آورند؟

امروز در کتابخانه‌های مهم خارج از کشور و هم کتابخانه‌های داخل، نسخه‌های نفیس و کهنی از شاهنامه فردوسی را نگهداری می‌کنند. از جمله، در کتابخانه ملی چند نسخه کهن و قابل توجه وجود دارد که قدمت آنها به قرون هفتم و هشتم هجری می‌رسد. نکته دیگر این است که شاهنامه عرصه هنرنمایی هنرمندان ایرانی در طول قرون و اعصار بوده است. به همین دلیل،